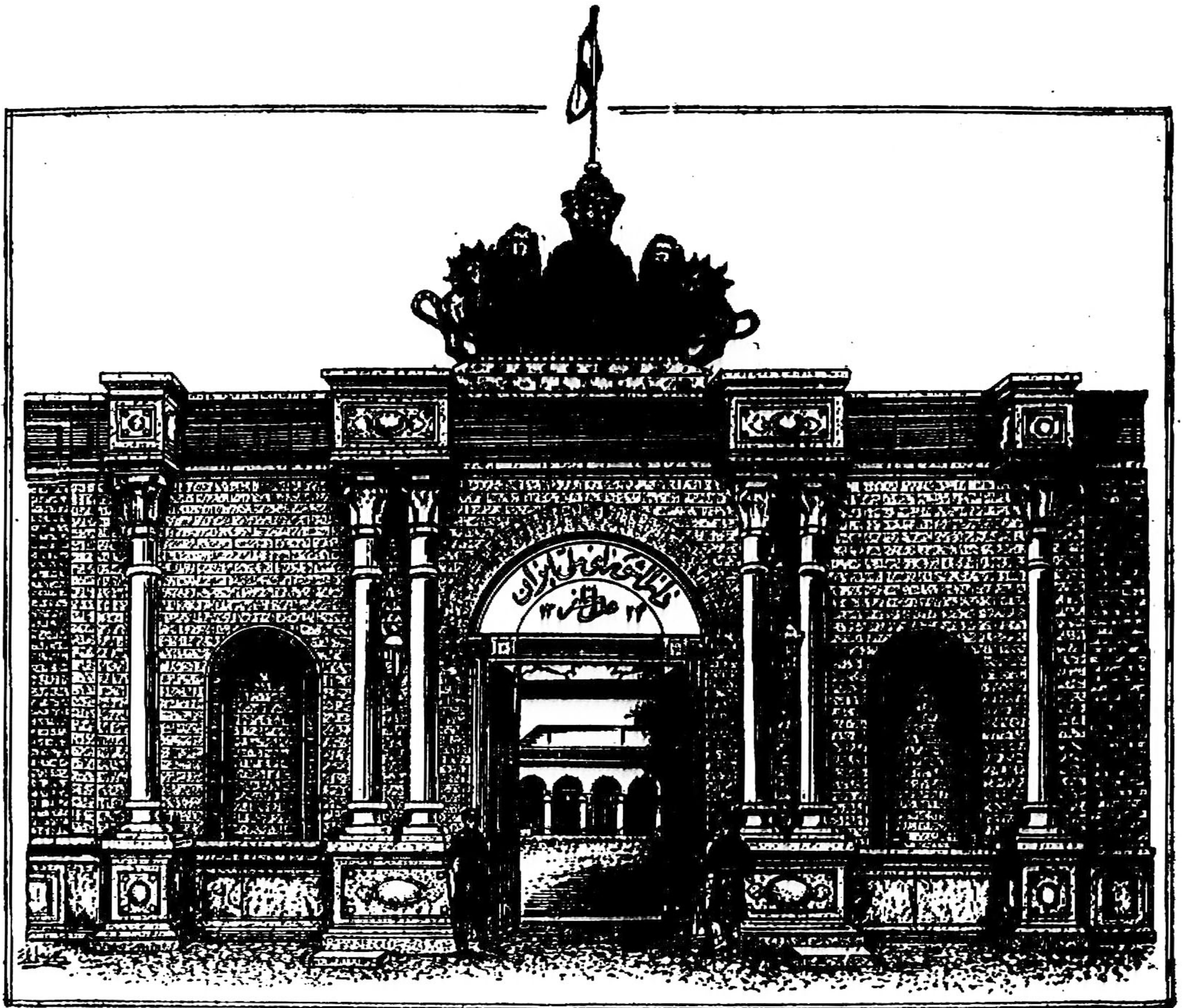


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۷۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۳۷</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه چهارشنبه ۱۷ اسرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۱ صفر ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخلة ايران سالبانه ده نومان خارجه « دوازده نومان قیمه تك شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکرات در اطراف خبر کمیسیون محاسبات مجلس شورای ملی راجع بروضه خوانی	۴۹۳۱	۴۹۳۶
۲	شور دوم قانون سجل احوال از ماده شش	۴۹۳۶	۴۹۴۶



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۱ صفر ۱۳۴۷

جلسه ۲۷۲

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: دکتر سنک - ابلخان - خطابی - سید ابراهیم
 ضیاء - میر ممتاز - مقدم - اویخت - میرزا عبدالله خان
 وثوق - میرزا هاشم آشتیانی - سربهان - طباطبائی و کبلی

(مجلس دو ساعت و یک ربع قبل از ظهر
 بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس پنجشنبه یازدهم مرداد را
 آقای درانشاهی قرائت نمودند)

نقده الاسلامی - کازرونی - حاج آقا حسین زنجانی .
 غائبین بی اجازه جلسه قبل
 آقایان : اسدی - موقر - ذوالقدر - امام جمعه شیراز
 علیخان اعظمی - آقاعلی زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی
 قوام شیرازی - مهدوی - امیر ندمور کلالی - محمد تقی
 خان اسعد - افسر - آقازاده سبزواری - غلامحسین میرزا
 مسعود - حاج حسن آقا ملک - ابقوانی - اسکندری
 محمد ولیمیرزا - میرزا حسن خان ونوق - حاج غلامحسین
 ملک

دبر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: شهبازی - میرزا محمد تقی بهار - بچی خان زنگنه
 دبر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان : سهراب خان - شریعت زاده - حاج شیخ بیات
 رئیس - آقای شریعت زاده

(در مجلس حاضر نبودند)

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در صورت مجلس گویا آقای شریعت
 زاده را دبر آمده بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان
 برای کسالت دبر آمده اند اطلاع هم داده بودند خواستم
 تذکر بدم که اصلاح شود

رئیس مراجعه میشود بکمسیون . آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - در ماده اول که بنده پیشنهاد
 کرده بودم که راجع به حال زنها محتاج به تحقیق نیست
 بنده پیشنهاد خود را در صورتی استرداد کردم که آقای
 وزیر عدلیه اظهار کردند که ما تبصره را که نوشتیم
 نظر ما تأمین شدن این عقیده است اینجا نوشته شده
 فلانکس استرداد کرد در صورتیکه استرداد کردن من بعد
 از تأمین این مسئله بود که هم آقای وزیر عدلیه این
 مسئله را تصدیق کردند و هم آقای مخبر . این یکی در ماده
 دوم هم که بنده پیشنهاد کردم نرفته انتخابات بنده استرداد
 کردم نه اینکه رأی گرفته شد ورد شد . خیر استرداد
 کردم برای خاطر اینکه حقم باقی ماند که در آخر پیشنهاد
 کنم غرضم این است که این رای گرفته نشد که رد

شود استرداد کردم .

رئیس - هر دو فقره اضافه میشود . صورت مجلس
 دیگر ابرادی ندارد
 (گفته شد خیر)

رئیس - تصویب شد

رئیس - خبر کمیسیون محاسبات قرائت میشود

روحی - بنده پیشنهاد میکنم که بقیه سجل احوال

مطرح شود .

(خبر کمیسیون محاسبات بشرح ذیل خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بداره مباشرت

اجازه و اعتبار میدهد که برای اقامه عزا داری حضرت

خامس آل عبا علیه آلاف التحية والثناء در ایام ۱۹

۲۰ و ۲۱ صفر برابر ۱۵-۱۶ و ۱۷ اسرداد ماه ۱۳۰۷

اجراء وظیفه نموده و از بابت مخارج آن مبلغ دوهزارو

نصد تومان از وزارت مالیه دریافت دارد و وزارت مالیه

مکلف بپرداخت است

رئیس - پیشنهادی راجع بدستور رسیده است

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که لایحه سجل احوال مقدم بدستور

باشد . روحی .

رئیس آقای روحی

روحی - توضیحی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینطور مذاکره شد چون گفتند

موقعش يك اندازه گذشته اگر باز تجدید شده اطلاع

نداشتم گفتگو در بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و

نهم بود و اصلا این مطلب هم جزئی است يك رای بیشتر

لازم ندارد رأی را بدهند داخل سجل احوال میخواهند

باشوند .

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده هم مخالفم

رئیس آقای رفیع

رفیع - تمام نمایندگان بالاخره با اقامه عزاداری

موافقند همه آقایان میآیند می نشینند برای هم میدهند و بالاخره
 این جزء دستورات ولی آقا وزراء بالاخره حاضر شده اند به
 مجلس شورای ملی میخواهیم صحبت مان را بکنیم آقایان مطمئن
 باشند که همه ما هم باین رای خواهیم داد خوب است
 آقایان هم اجازه بدهند که لایحه سجل احوال مطرح
 شود بعد هم آن مسئله خواهد گذشت و مثل همه ساله
 عزا داری خواهد شد

رئیس - رای میکنیم باین پیشنهاد

بعضی از نمایندگان - کدام پیشنهاد ؟

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

(عده قیام نمودند)

دادگر - ملتفت نشدم که مقصودتان کدام پیشنهاد است

تکرار رای بفرمائید .

رئیس - رای میکنیم به پیشنهاد آقای روحی

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . ماده واحده مطرح است

آقای رفیع

رفیع - موافقم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده در کمیسیون محاسبات

بودم خیلی متأسر هستم که در روز نامه يك

چیز زی دیدم و روز نامه هم درست نوشته است

که کمیسیون محاسبات همچو کاری کرده است شما خودتان

میدانید که هیچ نظامنامه اختیار به کمیسیون محاسبات

نمیدهد . بودجه خرج است اداره مباشرت بر داشته يك

خرجی را پیشنهاد کرده آورد بعنوان مشورت در کمیسیون

محاسبات بنده خبر دارم اعضاء محترم کمیسیون محاسبات

جمع شدند اینجا صحبت کردند گفتیم اگر این مجلس از

دولت است باید وزیر مالیه بیاید در اینجا اظهار کند

ما خودمان نباید نظامنامه را از دست بدهیم . این خرج

است پیشنهاد خرج را ما نمیتوانیم بکنیم باید وزیر مالیه

بیاید اینجا مجلس را معین کند . اگر از راه جرابیم است

که در صندوق مجلس جمع شده است پنجهزار تومان در
 صندوق مجلس جمع شده است این را ما گذاشته ایم
 برای اینکه بعضی از فقرا و برائیهای بیچاره که مستأصل
 میشوند به وکلا متوجه میشوند وکلا بمقام ریاست پیشنهاد
 میکنند بقدر رفع احتیاج بآنها داده شود
 (همه این نمایندگان)

آقا سید یعقوب - صبر کنید آقا تا بنده عرض
 خودم را بکنم . این نسبت بآن اما نسبت باین
 لایحه . در این لایحه کمیسیون محاسبات پیشنهاد
 کرده دو هزار و نصد تومان پیشنهادی بود
 اداره مباشرت کرد بکمیسیون محاسبات دو هزار و نصد
 تومان بعد در جلسه خصوصی مذاکره شد آقای ارباب
 کیخسرو گفته اند که این دوهزار و نصد تومان را
 کمیسیون محاسبات پیشنهاد کرده است من با نصد تومان
 تخفیف دادم بنده عرض میکنم نه هیچکدام از این
 ها بکمیسیون محاسبات نرفت کمیسیون محاسبات پیشنهاد
 نکرد چون حق پیشنهاد را ندارد حق پیشنهاد با اداره
 مباشرت است اداره مباشرت باید پیشنهادش بیاید به
 مجلس و از مجلس رجوع شود بکمیسیون محاسبات و
 کمیسیون محاسبات رأی بدهد و ثانیاً خود کمیسیون
 محاسبات پیشنهادش دو هزار و نصد تومان بوده بعد
 خودش میآید میگوید با نصد تومان آنرا کسر کردم ؛
 آخر من قضاوت از مجلس میخواهم فکر کنید با این
 ترتیب این خبر و این سابقه و این ترتیب یعنی چه !
 نکنید بگذارید این را اداره مباشرت تقدیم مقام ریاست
 کند مقام ریاست بفرستد بکمیسیون محاسبات و کمیسیون
 محاسبات لایحه اش را تنظیم کند راپرتش را بدهد این
 هیچ چیزش درست نیست مقصودم این است که باین سابقه
 و این ترتیب لواجیح در مجلس نباید

کازرونی - همه اینها شده است
 آقا سید یعقوب - بنده در کمیسیون محاسبات
 هستم شده است ؟
 کازرونی - هی مصنوعی تند بشو .

(صدای زنك رئیس)

رئیس - آقای رفیع

رفیع - نماینده محترم بدانند هر فعلی که از مجلس صادر شد آن قانون میشود. پارسال چه کردیم؟ هر کار پارسال کردیم امسال هم میکنیم. اگر پارسال برخلاف قانون بود خوب بود آقا میفرمودید تذکر میدادید رسیدگی میشد مجلس هم رای میداد. مقصود و منظور آقایان این است که برای شعائر اسلام عزاداری بکنند آن منظوری که آقا دارید که میگوئید بقرا پول بدهید هیچکس مخالف نیست البته اگر پولی باشد باید بقرا هم بدهند به آنها کمک بکنند ولی عمل سنه ماضیه بالاخره قانون است آن سال این ترتیب گذشت امسال هم باید همینطور باشد حالا آقای وزیر مالیه محل ندارند و قبول نمیکنند باید خودشان بفرمایند ما که نباید از طرف وزیر مالیه حرف بزنیم.

وزیر مخبر کمیسیون - عرض کنم که موضوع دو تا است: یکی اینکه عزاداری حضرت سیدالشهداء از صندوق جرایم داده شود یکی اینکه از بودجه کل مملکتی. اگر از صندوق جرایم باید داده شود همانطور که حضرت مستطاب عالی فرمودید البته مجلس مختار است از صندوق جرایم خودش اقامه عزاداری کند. یکی هم این است که از بودجه کل مملکتی داده شود اگر اینطور باشد همانطور که آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند هر پیشنهاد خرجی را در این جا نمیشود کرد حالا هر کدام را مجلس تصویب کند البته آنطور باید اجرا شود

وزیر مالیه - عرض کنم این ماده بعقیده بنده يك نقص دارد نقص این است که معمولاً وقتی قانونی میگردد همیشه محل پرداختش معین میشود اینجا نوشته است وزارت مالیه مکلف است پردازد بسیار خوب وزارت مالیه میپردازد ولی باید معلوم شود که وزارت مالیه از چه محلی میپردازد بنده نظرم این است و پیشنهاد میکنم که نوشته شود از صرفه جوئیهای بودجه مجلس پردازد

رئیس - آقای عراقی

مخبر - عرض کنم اینکه آقای وزیر مالیه اینجا پیشنهاد کردند از صرفه جوئیهای مجلس همه آقایان مسبوقتند که صرفه جوئیهای مجلس را چه بکار خانه کاغذ سازی است از آن محل فعلاً نمیتوانیم بدهیم وزیر مالیه -- این نظریه که آقای مخبر کمیسیون اظهار کردند بعقیده بنده کافی رای رد مطلب نیست. آن قانون لغو نمیشود بر جای خودش باقی است. این مبلغی که اینجا تصویب میشود از جمع کل صرفه جوئی هائی که میبایستی صرف آوردن کارخانه کاغذ سازی بشود کمتر میشود این ضرری ندارد خود آقایان البته تصدیق میفرمائید که باید تعدیل بودجه مملکتی را در نظر گرفت و بایستی ماده قانونی که از مجلس میگردد مطابق اصول مالی باشد. و صرفه جوئی ها هم بطوری که بنده اطلاع دارم خیلی زیاد است چیزی نیست که دو هزار و چهار صد تومان یا دو هزار و هشتاد تومان از آن بردارید و باین مصرف بزنید ضرر کلی بآن محل نزنید این ضرر زیادی نیست باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم خواست آقای مخبر هم قبول بفرمایند.

مخبر - عرض کنم که آقای وزیر محترم مالیه مسبوقت هستند يك قانونی که از مجلس گذشت به قوه خودش باقی است مگر اینکه قانون دیگری بیاید و آنرا لغو کند يك قانونی از مجلس گذشته است که صرفه جوئی های بودجه مجلس فقط و فقط باید برای کارخانه کاغذ سازی باشد حالا بنده عرض نمیکم که آن قانون لغو نشود عرض میکنم مادامی که آن قانون باقی است ما نمیتوانیم به صرفه جوئی مجلس دخالت کنیم مگر اینکه يك طرحی يك ماده قانونی بگذاریم که نصف آن قانون لغو باشد و يك قانون دیگری برای صرفه جوئی وضع کنیم ولی آن قانونی که از مجلس گذشته که صرفه جوئی بودجه مجلس شورای ملی فقط برای مصرف کاغذسازی است بحال خود باقی است مادام که از طرف مجلس لغو نشود.

عراقی - بنده تصور میکنم جرائمی که صحبتش بود در جلسه خصوصی هم که صحبت کردیم راجع به جرائم يك مبلغ جزئی ما کسر پیدا کردیم زیرا در صندوق جرایم پنجهزار تومان و کسری بود سه هزار و کسریش صحبت شد که باید بيك مصرف دیگری برسد دو هزار چیزی کمتر باقی ماند برای این مصرف. اگر بخواهیم منحصر بکنیم آنوقت از دو هزار و چهار صد تومان که اداره مباشرت و کمیسیون محاسبات گفته اند بيك مبلغ جزئی کسر میآید بيك کسر مهمی هم نیست که بعد از وضع آنچه در صندوق جرایم موجود است و باید پرداخته شود. حالا اینهم که میفرمائید مخالف با آن ماده قانون است یا نیست نمیخواهیم در آن مبحث وارد بشویم. بنده خیال میکنم اگر آقای وزیر مالیه هم همراهی بفرمایند نسبت بتفاوت این عمل و آقای مخبر کمیسیون هم همراهی بفرمایند از بيك دو بیست هزار تومان صرفه جوئی مجلس این مبلغ کسر شود و آقای وزیر مالیه هم همراهی کنند که این هزار و کسری از محل جرائم پرداخته شود و بقیه از بودجه عمومی و بمصرف خودش برسد

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - موافقم

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده با هر يك قرانی که از مصرف کارخانه کاغذ سازی بهر مصرفی برسد روضه خانی که هیچ نیاز هم بخوانند مخالف هستم. بعلاوه پنجهزار تومان وجوه جرایم حالا موجود است سه هزار و کسری آن را اداره مباشرت برای يك محلی لازم دانسته هزار و کسری بقی میماند اگر هفتصد تومان هم کسری بماند نا آخر دوره جمع میشود. علاوه بر این هیچ الزامی ندارد که اداره مباشرت روضه خوانی با این تحمل که

مخالف با حیثیات و وضع خودش است بکنند. مجلس شورای ملی باید بتمام اهل مملکت و مردم يك رنگی نشان بدهند ما سه روز روضه میخوانیم سه پانصد تومان هزار و پانصد تومان دیگر ما مجبور نیستیم که این مبلغ زیاد را صرف این کار بکنیم. فرش است از این اطراف ای بالا میبرند بيك چادر هم از چادرهای سلطنتی می آورند اینجا نصب میکنند این مخارج زیاد مورد ندارد پارسال بنده مخبر کمیسیون محاسبات بودم با آقای فیروز آبادی نشستیم هزار و کسری از مبلغ روضه خوانی کسر کردیم و آن بيك شالهای بیموردی بود که با شخص داده میشد حالا حذف شده است این روضه خوانی یا هزار و پانصد تومان میتواند اداره بشود بنده ام همین ترتیب پیشنهاد داده ام مبلغی هم که از وجوه جرائم موجود است. و بنده با اینکه از پول کارخانه کاغذسازی مکه هم بروند مخالفتم مخبر - نماینده محترم مبلغی را که میفرمایند یا هزار تومان است یا هزار و پانصد تومان پیشنهاد کنند بنده هم موافقت میکنم

وزیر مالیه - در صورتیکه البته مخبر کمیسیون محاسبات با پیشنهاد آقای روحی موافقت بکنند پیشنهاد بنده دیگر موردی ندارد ارل آن مقدم است ولی اگر با آن موافقت نکردند بنده در همان نظریه که عرض کردم باقی خواهم بود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای اعتبار

بنده پیشنهاد میکنم مبلغ به دو هزار و چهار صد تومان تقلیل و اصلاح شود

پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد میکنم دو هزار و چهار صد و نود تومان معین شود

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم که به مبلغ یک هزار و پانصد تومان

رای گرفته شود

روحی - (از محل جرائم) اضافه شود
رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده پیشنهادی را که عرض کردم نظرم به آن گفته آقای ارباب در جلسه گذشته بود که با دو هزار و چهار صد تومان این عزا داری را ممکن است تمام کرد و فلسفه این پیشنهاد که هزار و چهار و نود تومان را هم نفهمیدم که چیست و خوب است آقایان هم موافقت بفرمایند بهمین مبلغی که اداره مباشرت پیشنهاد کرده است که برای این کار کافی است رأی گرفته شود

رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده همان قسمی که در جلسه گذشته عرض کردم پانصد تومان از این مبلغ را کسر کرده ایم و دو هزار و چهار صد تومان را کافی دانستیم و توضیحانی که در این باب لازم بود آروز عرض کردم. اما اینکه گفته میشود از صندوق جرائم داده شود اگر بنا باشد از جرائم داده شود دیگر در مجلس که نباید مطرح شود و مصرف آن هم با نمایندگان مخصوصی مذاکره شد و تشخیص مصرف آن هم با نمایندگان محترم است و دیگر موضوعی ندارد که این جا مذاکره شود. آن چیزی که در این جا مذاکره میشود برای این است که از خزانه مملکتی داده شود و بنده در آروز عرض کردم و عقیده بنده این بود (یعنی عقیده اداره مباشرت) که از این دو هزار و چهار صد تومان بکهزار تومان آن از خزانه مملکتی داده شود و بقیه اش که بکهزار و چهار صد تومان است از صندوق جرائم پرداخته شود و فی الواقع نظر ما این بود که آقایان موافقت کنند همان بکهزار تومان در مجلس تصویب شود که از خزانه مملکتی داده شود و بقیه از صندوق جرائم دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - اگر هزار تومان پیشنهاد میکنید همان هزار تومان باید مطرح شود.

اعتبار - بنده این پیشنهاد را کرده ام.

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی به اداره مباشرت اجازه و اعتبار میدهد که برای اقامه عزا داری حضرت خامس آل عبا علیه آلاف التحیه و الثنا در ایام نوزدهم و بیستم و بیست و یکم
بعضی از نمایندگان - خیر آقا بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم

(بقیه ماده بشرح ذیل خوانده شد)

در ایام بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم صفر اجراء وظیفه نموده و از بابت مخارج آن مبلغ يك هزار تومان از وزارت مالیه در یافت دارد و وزارت مالیه مکلف پرداخت است

خطیبی - از محل صرفه جوئی مملکتی را هم اضافه کنند وزیر مالیه - بعضی از آقایان میل دارند عوض اینکه نوشته شود از صرفه جوئی مملکتی و نظرشان در این قسمت این است که صرفه جوئیهای مجلس را اختصاص داده اند بمحل کار خانه کاغذ سازی و چون این مبلغ معتدایی نیست و آقایان هم نظر دارند که اینطور نوشته شود بنده مخالفت نمیکنم یکی از آقایان پیشنهاد کنند بنده هم موافقت میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مبلغ بکهزار تومان کسر مخارج روضه خوانی از صرفه جوئیهای مملکتی پرداخته شود و وزارت مالیه مکلف پرداخت مبلغ مذکور است
دشتی - این پیشنهاد خرج است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم آن مبلغی که مربوط میشود به بودجه مجلس ابدأ مربوط به وزارت مالیه نیست و مربوط به خود مجلس است و آن قسمتی که مربوط به جرائم است البته مربوط بوزارت مالیه نیست و عات اینکه این خبر به مجلس آمد و ما درش بحث میکنیم مربوط به همان

هزار تومانی است که باید از بودجه مملکتی گرفته شود و هیچ اشکالی هم ندارد. رای مجلس قانون است و بعد از آن که مجلس محلی را معین کرد و حضرت آقای وزیر مالیه هم موافقت فرمودند دیگر هیچ اشکالی وارد نخواهد بود که این هزار تومان از صرفه جوئیهای بودجه مملکتی پرداخته شود و استدعا میکنم آقایان موافقت بفرمایند که زودتر این لایحه بگذرد و يك لایحه مفید نری بیاید.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده فعلا وارد نمیشوم در این قضیه و در لزوم و عدم لزوم آن ولی ما باید نظامات مجلس را محترم بشماریم. مطابق نظامات مجلس وکیل حق پیشنهاد خرج ندارد و ما نمیتوانیم موافقت کنیم که مجلس تصویب اضافه خرج کند

کازرونی - اضافه خرج چه چیز است؟

دشتی - پیشنهاد خرج این است که هزار تومان از بودجه مملکتی بردارند و صرف این کار کنند. عرض کنم ما ورفقایمان موافقت میکنیم با اینکه میگویند برای تعظیم شعائر اسلام روضه بخوانیم ولی باید با هر قدر پول که در صندوق جرائم داریم روضه خوانی بکنیم بنده نمیدانم که در دیوار را سبز و قرمز بکنند این تعظیم شعائر اسلام است؟! آقای حاج آقا رضا رفیع روضه شاف یکی از روضه های مجلل این شهر است همه چیز هم مردم میدهند صد نفر هم روضه خوان دارند با این حال شصدهفتصد تومان بیشتر خرج نمی شود آخر برای سه روز روضه خوانی چرا سه هزار تومان باید خرج شود؟ غیر از اینکه میخواهند يك عده نا راضی ها را راضی بکنند مقصود دیگری ندارند هر طور بخواهند این سه روز خرج کنند از هفتصد تومان هشتصد تومان بیشتر خرج نخواهد داشت کاسه گرمتر از آتش چرا؟! کسانی که مسلمان نیستند میخواهند از ما بیشتر از عزا داری طرفداری کنند آقا انقدر با مملکت بازی نکنید

مخبر - عرض کنم با قسمت اول فرمایشات نماینده محترم بنده کاملا موافقم و آن قسمت دوم را خوب است نماینده محترم به عبارتی بنده گوش بدهند که آن عبارت خیلی حاد بود اولاً این کار جز به مسلمانها به هیچ کسی مربوط نیست و در کمیسیون محاسبات بنده بودم و حضرت آقای آقا سید به مقوب و آقای فیروزآبادی هم تشریف داشتند که این مبلغ را برای این کار معین کرده اند و این تصویب هم برای این بوده است که پارسال سه هزار و پانصد تومان خرج کرده اند و امسال دو هزار و چهار صد تومان برای این کار معین شده است خواهش میکنم که نماینده محترم توجه بفرمایند که از این حرفهای تند دیگر نزنند
رئیس - آقای ارباب

ارباب کیخسرو - بنده خیلی متأسف هستم که يك اشتباه بزرگی برای آقای دشتی پیش آمده است اولاً بنده اگر متصدی اداره مباشرت هستم در اثر رای مجلس شورای ملی متصدی هستم و از طرف خود رفته ام آنجا به نشینم و هر وقت هم يك کاری کرده ایم از طرف مجلس کرده ایم! اگر مسلمان است از مجلس است و اگر غیر مسلمان هم هست از مجلس است. تمام این کارها مربوط بمجلس است که ما اجرا کرده ایم! مجلس هر رائی که بدهد ما اجرا خواهیم کرد خواه يك پول باشد خواه هزار تومان ما از پیش خودمان هیچ چیز پیشنهاد نکرده ام! رای مجلس را دیده ایم و بر طبق آن پیشنهاد کرده ایم (نمایندگان سنجیح است) حالاً هم مربوط به بنده نیست و اختیار در دست خود نمایندگان است. بنده نه يك پول از جیب خودم میدهم و نه رائی خودم در این باب دارم.

رئیس - آقای مخبر راجع باین پیشنهاد آقای کازرونی

چه میفرمائید.

مخبر - يك مرتبه قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - وزیر محترم مالیه مملکت در این جا حاضر است

و آقای رئیس هم ملاحظه بفرمایند اگر مخالف با نظامنامه نیست و آقای وزیر مالیه هم قبول میکنند بنده هم قبول میکنم مرضی قلیخان بیات - اجازه میفرمایند .
رئیس - در يك پیشنهاد چند نفر که نمیتوانند حرف بزنند .

مرضی قلیخان بیات - میخواستم عرض کنم که مخالف نظامنامه نیست .

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام بفرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . میباید برای جلسه بعد . قانون سجل احوال از ماده شش مطرح است . پیشنهاد آقای عدل

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم آخر ماده ۶ بطریق ذیل اصلاح شود طبیب معالج و غسل و قابله در موقع ولادت طفل متوفی یا فوت مادر در موقع وضع حمل نیز ملزم میباشد در ظرف بیست و چهار ساعت واقعه را به دفتر سجل احوال بانظامیه یا کدخدای محل اطلاع دهند
رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود اولاً بطوریکه آروز هم عرض کردم شرحی هم بقای وزیر عدلیه نوشتم که (در مواد پیش این طور نوشته شده است و همه جا قضیه را بنظمیه یا کدخدای محل باید اطلاع بدهند) آیا ممکن است بدفتر سجل احوال هم اطلاع بدهند یا نه ؟ ایشان گفتند جواب میدهم ولی جوابی ندادند . حالا در این ماده شش بر خلاف آن مواد است در اینجا فقط نوشته شده است به دفتر سجل احوال اطلاع بدهند و حال آنکه معلوم نیست که دفتر سجل احوال در هر دهی خواهد بود یا نه و خیلی دهات هست که بزودی شاید نتواند بدفتر سجل احوال برسد . عرف میشود کولاک میشود هوا سرد است و ممکن نیست که در ظرف بیست و چهار ساعت بتواند این خبر را بدفتر سجل احوال برسانند

دیگر نگفته ایم کدخدا مأمور سجل احوال خواهد بود بود پانه زیرا اگر کد خدا مأمور سجل احوال باشد از این که نوشته ایم مأمور سجل احوال مقصود حاصل میشود و اگر هم کدخدا مأمور سجل احوال نباشد لابد يك دليل خواهد داشت که اداره سجل احوال در فلان محل کد خدا را جزء مأمورین سجل احوال معین نکرده است و آنوقت این قید ضرر است چون نظر اداره سجل احوال در این است که تا وقتی دفاتر در همه جا باز نشده است کدخدا ها را سمت مأموریت بدهد و خواهد داد و اگر در يك جائی ندهد البته این بر طبق يك مصاحفی است و اگر در آنجا هم ما این کار را به او رجوع کنیم خوب نخواهد بود به این ملاحظه بنده تقاضا میکنم که آقای عدل هم بانظر آقای مخبر موافقت کنند و همین ترتیب ماده اصلاح شود که بعد از سجل احوال (و با مأمورین) هم اضافه شود .

عدل - بنده موافقت میکنم .

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۹ بعد از کلمه نزدیک ترین اضافه شود : وکیل و نماینده .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر مالیه توجه بفرمایند در این جا آخر احساسات انسان متأثر میشود و وقتی يك پدری فوت میشود پسرش چطور میتواند برود در این مدت کم خبر بدهد ؟ این جا بنده پیشنهاد کردم که اضافه شود که نزدیکترین اقربا (با وکیل و نماینده اش) که اگر خودش نمیتواند برود و سر ختم نشسته است نوکرش را بفرستد .

مخبر - با مفهوم پیشنهاد آقا بنده موافقت میکنم ولی باید جایش را تغییر داد که عبارت اینطور اصلاح شود که نزدیکترین اقربای شخص متوفی با وکیل و نماینده او

آقا سید یعقوب - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در غیر شهرها مأمورین باید بکدخدای محل اطلاع بدهند کدخدا هم پانزده روز يك مرتبه با اداره سجل احوال اطلاع بدهد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - قانون گذار باید در هر حال مراعات حال مردم و مراعات آسایش مردم را بکند در بسیاری از دهات ممکن است دفتر سجل احوال نباشد بلکه بعضی دهات کد خدا هم ندارد ، بعضی دهات هست که تا شهر بیست فرسخ سی فرسخ فاصله دارند و اگر این قانون به این ترتیب باقی بماند اسباب زحمت بجهت مردم میشود بنده پیشنهاد کردم که در دهات اشخاصی که مأمورند واقعه را به سجل احوال اطلاع بدهند به کدخدا اطلاع بدهند و کدخدا هم هر پانزده روز يك مرتبه به دفتر سجل احوال وقایع را اطلاع بدهد چون کدخدا با واسطه بعد مسافت با کارهای شخصی که دارد نمیتواند هر دفعه به دفتر سجل احوال اطلاع بدهد باید آن خبر ها را جمع کند و پانزده روز يك مرتبه راپورتهای خودش را به دفتر سجل احوال اطلاع بدهد . و با این ترتیب کار مردم دهات سهل تر میشود . بنده این پیشنهاد را کردم و انشاءالله موافقت خواهد شد

مخبر - در این جا پیش بینی نکرده ایم که کد خدا جزء مأمورین است و در ماده چهاردهم که کدخدا يك وظایفی دارد نوشته نشده است که چه وقت کدخدا باید با اداره سجل احوال اطلاع بدهد در این جا ما فقط تکلیف اشخاصی را معین کرده ایم که چه وقت باید به اداره سجل احوال یا مأمور سجل احوال (که با اداره نظامیه است و یا کدخدای محل) اطلاع بدهد و اینکه کدخدا تا چه مدت مجبور است که به دفتر سجل احوال اطلاع بدهد این از مسائل فرعی است که در نظامنامه پیش بینی خواهد شد و در آنجا رعایت بعد مسافت و بعضی چیزهای دیگر میشود و از این حیث جای هیچ تکراری برای آقا

نیست .

رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . ماده ششم با اصلاحاتی که شده است قرائت میشود و رای میگیریم .
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - در مورد فوت اطلاع دادن به ادارات با مأمورین فوق الذکر باید در ظرف چهل و هشت ساعت بعمل آید . دادن این اطلاع بعهده نزدیکترین اقرای حاضر شخص متوفی و در صورت نبودن اقرای مذکور بعهده سرپرست ساکنین خانه و در صورت نبودن سرپرست بعهده مستخدمین خانه است که فوت در آنجا واقع شده و مأمورین باید پس از تکمیل تحقیقات در اسرع اوقات مراتب را به مأمورین سجل احوال اطلاع و اشخاص مذکوره در فوق را مطلع نمایند که برای اجرای ثبت واقعه بدفتر سجل احوال مراجعه کنند طیب معالجات و غسل و قباله در موقع ولادت طفل متوفی بافوت مادر در موقع وضع حمل نیز ملزم میباشند در ظرف بیست و چهار ساعت واقعه را کتباً بدفتر سجل احوال اطلاع دهند

بصره ۱ - نسبت به فوت اشخاصی که دارای منزل ثابت و اقرای حاضر نیستند با به تنهایی در يك منزل زندگی میکنند ادارات و مأمورین فوق مکلف هستند مراتب را تحقیق و پس از تشخیص صحت واقعه در اسرع اوقات فوت را به مأمورین سجل احوال اطلاع دهند

بصره (۲) - اشخاصی که در مؤسسات عام المنفعه فوت نمایند رؤسای مؤسسات مزبور مکلفند مراتب را در ظرف بیست و چهار ساعت بمأمورین نظمیہ یا کدخدای اطلاع دهند .

مخبر - اجازه میفرمائید ؟ در آخر ماده شش بعد از بدفتر سجل احوال با مأمورین سجل احوال باید اضافه شود .

باسائى - بنده هم مخالفم .

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که نظر اول آقای ملک مدنی وارد بود و پیشنهادی هم برای اصلاح آن شده است و باید يك سال پس از اجرای این قانون باشد . زیرا ممکن است مواردی باشد که با گذشتن مدت زیادی هنوز اوراقشان را تکمیل نکرده باشند ولی آن قسمتی را که راجع بمجازات فرمودند زیاد است تصور نمیکنم زیاد باشد زیرا زیاد مسامحه در کارها میشود و باید يك جریمه در کار باشد که زود تر اقدام نمایند به علاوه اشتباه نکنند این حبس ها قابل اکتیاع است و ممکن است مدت حبس اکتیاع شود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر توجه فرمایند . آقای وزیر مالیه هم توجه فرمایند . این يك قانونی نیست که آنقدر عقاب برای مردم قرار بدهیم که جان مردم گرفته شود . يك قانون سجل احوالی است که کم کم میخواهیم مردم را عادت بدهیم . نه اینکه بکمر تبه تخلف کرد پنجتومان بدهد دو مرتبه تخلف کرد پنججاه تومان بدهد بکماه حبس شود . سه مرتبه تخلف کرد بدارش زلیم خبر باید يك قدری با مردم باعطوفت رادرفت این قسمت يكسال بعد از تصویب و اجرای این قانون هم اینجا نوشته شده و بنده آنرا پیشنهاد کرده ام . يك قسمت دیگر مخالفت بنده راجع باین قسمت است که در صورت تخلف پنجتومان جزای نقدی و نا هفت روز حبس و در صورت ادامه و تکرار از پنجتومان تا پنججاه تومان نقد تا بکماه هم حبس خیلی زیاد است و همان حبسی را که در همان جا بیان کرده اند کافی است این است که این قسمت « در صورت تکرار و ادامه » تا آخر ماده پیشنهاد حذف میکنم .

مخبر - در موقع پیشنهاد خوردنان را بفرمائید

رئیس - آقای باسائی

باسائى - مخالفت بنده از نقطه نظر مجازات متخلف

نیست البته باید يك وسائلی در خود قانون اتخاذ کرد که قانون اجرا شود . حقیقتاً در مملکت ایران قانون بطور اختیار اجرا نمیشود و هر قانونی که اختیار درش بوده است کان لم یکن مانده است مثل قانون تجارت و خیلی از قوانین دیگر که مجلس وضع کرده است ولی اینکه اینجا نوشته شده است پس از يكسال از اجرای سجل احوال در هر محل (که یکی از آقایان هم اعتراض کرد) ابتدایش از کی است . معنیش این است بنده که يك سال و نیم است از تاریخ سجل احوال گذشته و هنوز ورقه نگرفته ام فردا مطابق این قانون تا يكسال اگر ورقه گرفته نشد مردم را مجازات کنند ؟ در هر حال عبارت این ماده گنگ است خوبست توضیح دهند که ما هم مقصود را ماتفت بشویم

وزیر مالیه - پیشنهاد کنید قبول میشود .

مخبر - بطوریکه نمایندگی محترم آقای دادگر هم فرمودند این مسئله را شاید کمیسیون هم قبول کند . در موقع پیشنهاد بفرمائید قبول خواهیم کرد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا با این ترتیب که آنقدر جریمه برای مردم معین کرده اند اسباب زحمت مردم فراهم خواهد شد قانون را باید طوری نوشت که قابل عمل باشد این قانون به این طریق قابل عمل نیست و اینطور که اینجا نوشته شده است معلوم نیست اولش از کی است خوب است ابتدای آن معلوم شود که پس از يكسال اگر ورقه گرفته نشد جریمه کنند و الا با این ترتیب اسباب اشکال برای مردم فراهم خواهد شد .

رئیس پیشنهادها قرائت میشود . پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده هفت بعد از کلمه يك سال اضافه شود بعد از تصویب این قانون و اجراء الی آخر

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - تصور میکنم با این ترتیب رفع

اشکال آقای باسائی هم بشود والا اینطور که اینجا نوشته شده است (بعد از یکسال از اجراء سجل احوال) خیلی جاها هست که یکسال هم بیشتر است سجل احوال اجرا شده است و به مجرد اینکه این قانون تصویب شد باید نام اشخاص در تحت این مجازات در آیند . این است که همانطور که در ماده اول اصلاح کردیم (پس از تصویب این قانون و اجراء سجل احوال در هر حوزه) اینجا هم باید همانطور اصلاح شود که آنوقت اگر کسی تخلف کرد آن عقاب برایش باشد و این یکسال ظرف مدت است . این نظر بنده بود که این پیشنهاد را کردم .

مخبر - عرض کنم اشکالی که فرمودند وارد نیست چون در قانون سجل احوال سابق هم عیناً این ماده و این مجازات مندرج است و نام اشخاصی که تخلف کرده اند بر طبق آن قانون بایستی مجازات شوند ولی از نقطه نظر ارفاق و برای اینکه رعایت نظر آقایان هم بشود عین عبارت که در ماده اول نوشته شده است اگر آقای آقا سید یعقوب هم موافقت کنند در اینجا نوشته شود بنده هم قبول میکنم که اضافه شود پس از تصویب این قانون و انقضاء مدت يك سال از تاریخ تصویب قانون و اجرای سجل احوال در هر محل کسانیکه ورقه سجل احوال نداشته باشند .

آقا سید یعقوب - بنده هم همینطور قبول میکنم
رئیس - پیشنهاد دیگر آقای آقا سید یعقوب
(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده هفت این نوع اصلاح شود پس از يك سال بعد از تصویب این قانون و اجرای سجل احوال در هر محل کسانیکه ورقه هوبت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مواد يك و چهار و پنج و شش در عهده آنها قرار گرفته انجام نمایند محکوم به حبس از يك تا هفت روز یا جزای نقدی از پنجقران تا یکتومان خواهند بود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

شریعت زاده - مسزود میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - نظر بنده تأمین شد .
رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی
(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در تبصره يك ماده هفتم بعد از کلمه ثبت شده است علاوه شود ولو قبل از تصویب این قانون هم باشد دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد الی آخر

مخبر - مربوط باین ماده نیست
دهستانی - مقصود بنده این است که بعد از تصویب این قانون اشخاص روند سجل احوال دیگر آنرا برای خودشان اختصاص بدهند . البته آقایان مستحضر هستند که سابقاً هر کس برای خودش يك اسمی معین کرده است اگر در اینجا این فید را نکنیم اسباب اشکال فراهم خواهد شد . از این نظر بنده پیشنهاد کردم اشخاصی که در دفاتر سابق سجل احوال نام خانوادگی برایشان معین شده بهمان ترتیب آن اسم برایشان باقی باشد .

مخبر - گویا نماینده محترم توجه فرمودند که این قضیه مربوط به این ماده نیست
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه حبس اضافه شود قابل اکتیاع .

مخبر - تصور میکنم عبارت ماده نظر آقایان را تأمین میکند زیرا نوشته شده است از يك تا هفت روز حبس و با جزای نقدی تا پنجتومان خواهد بود و محتاج به این پیشنهاد نیست

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - نظر بنده این بود که در اینجا تصریح شود که این حبس قابل اکتیاع است و میشود تبدیل به جزای نقدی کرد .

مخبر - بنده خیال میکردم نظریه آقایان این است که

اختیاری باشد که محکمه بتواند بکنفر با محکوم به جزای نقدی بکشد یا به حبس از این نظر کفایت نامین شده است ولی چون میفرمایند نظرشان این است که حبس هم قابل اکتیاع باشد نمیتوانم موافقت کنم زیرا بکوقت ممکن است محکمه مقتضی بداند که بکنفر را محکوم به حبس بکند به اینجهه نمیتوانم قبول کنم

رئیس - آقای دادگر
دادگر - عرض کنم که این نظر بکه آقای مخبر اظهار داشتند نظر مشکوکی شد . حبس قابل اکتیاع اصطلاحاً بحبسی میگویند که اگر محکوم نخواهد بتواند حبس خود را بخرد و نظر ما هم از وضع این ماده همین بوده است که محکوم بحبس بتواند حبس خود را بخرد و نظر آقای آقا سید یعقوب صحیح است خوب است آقای مخبر هم با آن موافقت کنند

وزیر مالیه - مقصود آقایان از اینکه میفرمایند حبس قابل اکتیاع نوشته شود چیست ؟ این است که حتماً این حبس را محکوم بخرد یا اینکه هم بتواند بخرد و هم بتواند نخرد . باید این مطلب روشن شود اگر اینجا نوشته شود حبس قابل اکتیاع هر کس جزئی توانایی داشته باشد حبسش را میخرد . در صورتیکه اینطور که اینجا نوشته شده است حبس یا جزای نقدی این بسته بنظر محکمه است که اگر محکمه صلاح دید محکوم به حبس میکند و اگر صلاح دید محکوم بجزای نقدی میکند و من معتقد نیستم آقایان نظرشان این باشد که محکمه نتواند متخلف را محکوم بحبس کند و باید محکمه آزاد باشد که بتواند بیک کسی این مجازات را بدهد و بیک کسی آن مجازات را . خوب است آقایان موافقت فرمایند همانطور که در ماده نوشته شده است باقی ماند

رئیس - رأی گرفته میشود به قبل توجه بود
این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد . به پیشنهاد آقای دهستانی
رای گرفته نشد . باید رای گرفته شود

مخبر - مربوط به این ماده نبود.
رئیس - ایشان که پس نمیگیرند
دهستانی - اگر مربوط به این ماده نبود مسترد
میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای باستانی

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تبصره ماده هفتم به نحو ذیل
اصلاح شود

تبصره - مأمورین سجل احوال موظفند برای تعقیب
مستخلفین از مقررات فوق به مدعی العموم یا امنای
صلح محل مراجعه نمایند

رئیس - آقای باستانی

باستانی - عرض شود آقایان در نظر نگرفتند که
این قانون بطور مطلق برای مملکت اسباب اشکال میشود
اینجا نوشته شده است به مدعی العموم مراجعه شود
ولی همه جا مدعی العموم نیست در تمام فارس يك
مدعی العموم فقط در شیراز هست آنوقت در بلوکات و
قصبات هر تخریقی میشود که رسیدگی آن هم صلاحیتش
قانونا با صلاحیه است اگر بنا باشد اشخاص را ببرند
به مرکز و بعد برگردانند به محل این اسباب زحمت
خواهد شد همینطور در کرمان و سایر جاها از این
جمله بنده پیشنهاد کردم که به امنای صلح در هر کجا
که باشند رجوع نمایند و دعوی هم رسیدگی با
صلاحیه است و اینها حبس هائی است که خود محکمه
صلاحیه معین میکنند مربوط به مدعی العموم نیست

مخبر - عرض کنم در اصل نظریه نماینده محترم
خود بنده هم موافقت دارم که در خیلی از
نقاط مدعی العموم نیست برای اینکه محاکم
ابتدائی تشکیل نشده و بایستی اشخاصی که مخالف
از مقررات میکنند مجازات شوند و اما این را هم که
فرمودند به امین صلح مراجعه کنند نمیتوانم قبول کنم
زیرا امین صلح نمیتواند مدعی بشود و اقامه دعوی نکند
بنده خیال میکنم بهتر این است موافقت بفرمائید نوشته

را کردند. خود وزیر داخله که شخص منصف و حقیقت
داری است میداند که مأمورین سجل احوال یکسال
قبل چه جور با مردم کردند و چه کار کردند حالا ما
ایمان و اختیار بدیم با آقای سجل احوال که اختیار
در دست خودت است تازه باب نزاع را ما ایجاد می
کنیم در صورتیکه ما باید قانونی وضع بکنیم که باب
نزاع را بر طرف کنند حالا ما میائیم و يك ماده می
گذرانیم که آن کار هائی را که کرده حالا با اختیار
خودت است هر کجا را که نظرت هست تجدید نظر
کن هر جا که میل نکردی تجدید نظر نکن بنده عقیده
ندارم که این وضع قانون وضع با عدالتی باشد که ما
اختیار بدیم بدست مأمور که هر کجا نظر دارد و
مصالحت میداند تجدید نظر نکند. بنده کمالا با این قسمت
مخالف هستم چون باب منازعات بر داشته نمیشود و بنده
بطور تراکت این را عرض میکنم که باب منازعه برداشته
نمیشود و الا این را عرض میکنم که باب رشوه و
ارتشاء بر داشته نمیشود و این ماده باز می کند باب رشوه
و ارتشاء را. وقتی که قائل شویم هر کجا که مأمور
سجل احوال میل کرد حق از برای او است که تجدید
نظر کند این خوب ترتیبی نمیشود. خود آقای وزیر مالیه
که آروز شریف آورده اند و مدافع هستند میل داشته
و تصدیق می فرمایند که همچو حقی را ما بطور اطلاق
نمی توانیم بدست مأمور بدیم. آخر بچه دلیل اینکار
را می کنیم؟ او که امام زمان نیست ملائکه کرو بین
که نیست. همین مأمورینی هستند که دو سال قبل از این
با حال فلاکت از این شهر رفتند و امروز منموم و رگشته
اند. حالا باز میگوئیم که آقا اختیار در دست خودت است
باز در هر دم که وارد شد يك حاجی زاده را که دید
دیگر برای آن حاجی زاده و برای خانواده بد
بخت او کافی است. يك پیشنهادی آقای مدرس کرده اند بنده
هم آن را دیدم يك پیشنهادی هم بنده کرده ام ولی پیشنهاد بنده
متفاوت است پیشنهاد اول بنده این بود که در شور
اول هم عرض کردم با آقای داد کر هم مذاکره کردم و

الان می خوانم چون آن روز آقای داور این جا مدافع
بودند گفتند اگر ما بخواهیم تمام اوراق سابق را کن
لم بکن نگاه کنیم نسبت بنظام وظیفه که ما داریم يك
قدری اشکال پیدا میکنند بنده يك پیشنهادی داده ام که ما
برای خاطر يك کله که نباید همه را در آنش بیندازیم
بنده این جور پیشنهاد کردم که الان می خوانم : مشمولین
نظام مطابق اوراق سابق بحال خود باقی اداره سجل
احوال حق ندارد در اوراق گذشته تجدید نظر کند
بقیه اوراق بلا اثر است دیگر دست از جانب مردم
بردارند از امروز که اداره سجل احوال در هر گوشه
تشکیل شد ورقه بدهد ورقه هم بجائی است و از امروز
آنها را کن لم بکن قرار دهند این را من پیشنهاد
کردم در شور اول که مشمولین نظام مطابق اوراق سابق
بحال خود باقی باشد و حق ندارند در آن تجدید نظر کنند ولی
در بقیه اوراق که زیر و زیر کرده اند و درش دست کاری شده
است بلا اثر باشد و از امروز اداره سجل احوال در این مملکت
شروع کند ورقه دادن مطابق قاعده و ترتیب صحیح
که مردم راحت باشند اگر این را قبول نمیکنید و قسم
خورده اید که این ماده همین طریق باید باقی باشد
پس بیائید و حق اعتراض را بدهید بآن شخصی که
صاحب ورقه و صاحب حق است نه اینکه اداره این
حق را داشته باشد بنده اگر اعتراضی نسبت بسجل احوال
خودم دارم خودم حق داشته باشم بروم آن جا اعتراض
کنم و اقامه دعوی بکنم نه اینکه مأمور حق داشته باشد
خوبیت یکی از این دوتا را قبول کنید. خود آقای
وزیر مالیه کمالا از اخلاق اهالی این مملکت مستحضرند
رفته اند دیده اند و میداند که این ماده باین جور يك
بلائی است که بجان مردم خواهد افتاد.

وزیر مالیه - همانطوریکه نماینده محترم فرمودند این
ماده ماده مهم این قانون است و در حقیقت اصلاح
قانون سجل احوال و اصلاح دفاتر احصائیه اگر لازم
است این ماده هم لازم است اگر لازم نیست و با اساس
موافق نیستند آنوقت با این ماده هم البته مخالف

مخبر - مربوط به این ماده نبود.
رئیس - ایشان که پس نمیگیرند
دهستانی - اگر مربوط به این ماده نبود مسترد
میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای باسائی

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بصره ماده هفتم به نحو ذیل
اصلاح شود

بصره - مأمورین سجل احوال موظفند برای تعقیب
مستخلفین از مقررات فوق به مدعی العموم یا امنای
صلح محل مراجعه نمایند

رئیس - آقای باسائی

باسائی - عرض شود آقایان در نظر نگرفتند که
این قانون بطور مطلق برای مملکت اسباب اشکال میشود
اینجا نوشته شده است به مدعی العموم مراجعه شود
ولی همه جا مدعی العموم نیست در تمام فارس يك
مدعی العموم فقط در شیراز هست آنوقت در بلوکات و
قصبات هر تخلفی میشود که رسیدگی آن هم صلاحیتش
قانوناً یا صلاحیه است اگر بنا باشد اشخاص را ببرند
به مرکز و بعد برگردانند به محل این اسباب زحمت
خواهد شد همینطور در کرمان و سایر جاها از این
جهت بنده پیشنهاد کردم که به امنای صالح در هر کجا
که باشند رجوع نمایند و دعوی هم رسیدگیش یا
صلاحیه است و اینها حبس هائی است که خود محکمه
صلاحیه معین میکنند مربوط به مدعی العموم نیست

مخبر - عرض کنم در اصل نظریه نماینده محترم
خود بنده هم موافقت دارم که در خیلی از
نقاط مدعی العموم نیست برای اینکه محاکم
ابتدائی تشکیل نشده و بایستی اشخاصی که مخالف
از مقررات میکنند مجازات شوند و اما این را هم که
فرمودند به امین صلح مراجعه کنند نمیتوانم قبول کنم
زیرا امین صلح نمیتواند مدعی بشود و اقامه دعوی نکند
بنده خیال میکنم بهتر این است موافقت بفرمائید نوشته

را کردند. خود وزیر داخله که شخص منصف و حقیقت
داری است میدانند که مأمورین سجل احوال یکسال
قبل چه جور با مردم کردند و چه کار کردند حالا ما
بیائیم و اختیار بدهیم با آقای سجل احوال که اختیار
در دست خودت است تازه باب نزاع را ما ایجاد می
کنیم در صورتیکه ما باید قانونی وضع بکنیم که باب
نزاع را بر طرف کند حالا ما میائیم و يك ماده می
گذرانیم که آن کار هائی را که کرده حالا باختیار
خودت است هر کجا را که نظرت هست تجدید نظر
کن هر جا که میل نکردی تجدید نظر نکن بنده عقیده
ندارم که این وضع قانون وضع با عدالتی باشد که ما
اختیار بدهیم بدست مأمور که هر کجا نظر دارد و
مصلحت میدانند تجدید نظر بکنند. بنده کاملاً با این قسمت
مخالف هستم چون باب منازعات برداشته نمیشود و بنده
بطور زناکت این را عرض میکنم که باب منازعه برداشته
نمیشود و الا این را عرض میکردم که باب رشوه و
ارتشاء برداشته نمیشود و این ماده باز می کند باب رشوه
و ارتشاء را. وقتی که قائل شویم هر کجا که مأمور
سجل احوال میل کرد حق از برای او است که تجدید
نظر کند این خوب ترتیبی نمیشود. خود آقای وزیر مالیه
که آروز شریف آورده اند و مدافع هستند میل داشته
و تصدیق می فرمایند که همچو حق را ما بطور اطلاق
نمی توانیم بدست مأمور بدهیم. آخریجه دلیل اینکار
را می کنیم؟ او که امام زمان نیست ملائکه کرو بین
که نیست. همین مأمورینی هستند که دو سال قبل از این
با حال فلاکت از این شهر رفتند و امروز منمول رگشته
اند. حالا باز میگوئیم که آقا اختیار در دست خودت است
باز در هر ده که وارد شد يك حاجی زاده را که دید
دیگر برای آن حاجی زاده و برای خانواده بد
بخت او کافی است. يك پیشنهادی آقای مدرس کرده اند بنده
هم آن را دیدم يك پیشنهادی هم بنده کرده ام ولی پیشنهاد بنده
متفاوت است پیشنهاد اول بنده این بود که در شور
اول هم عرض کردم با آقای دادگر هم مذاکره کردم و

الان می خوانم چون آن روز آقای داور این جا مدافع
بودند گفتند اگر ما بخواهیم تمام اوراق سابق را کن
لم بکن نگاه کنیم نسبت بنظام و طبقه که ما داریم يك
قدری اشکال پیدا میکنند بنده يك پیشنهادی دادم که ما
برای خاطر يك کلمه که نباید همه را در آتش بیندازیم
بنده این جور پیشنهاد کردم که الان می خوانم: مشمولین
نظام مطابق اوراق سابق بحال خود باقی اداره سجل
احوال حق ندارد در اوراق گذشته تجدید نظر کند
بقیه اوراق بلا اثر است دیگر دست از جانب مردم
بردارند از امروز که اداره سجل احوال در هر گوشه
تشکیل شد ورقه بدهد ورقه هم بجائی است و از امروز
آنها را کن لم بکن قرار دهند این را من پیشنهاد
کردم در شور اول که مشمولین نظام مطابق اوراق سابق
بحال خود باقی باشد و حق ندارند در آن تجدید نظر کنند ولی
در بقیه اوراق که زیر و زبر کرده اند و در دست کاری شده
است بلا اثر باشد و از امروز اداره سجل احوال در این مملکت
شروع کند بورقه دادن مطابق قاعده و ترتیب صحیح
که مردم راحت باشند اگر این را قبول نمیکنید و قسم
خورده اید که این ماده بهمین طریق باید باقی باشد
پس بیائید و حق اعتراض را بدهید بآن شخصی که
صاحب ورقه و صاحب حق است نه اینکه اداره این
حق را داشته باشد بنده اگر اعتراضی نسبت بسجل احوال
خودم دارم خودم حق داشته باشم بروم آن جا اعتراض
کنم و اقامه دعوی بکنم نه اینکه مأمور حق داشته باشد
خوبست یکی از این دو تا را قبول کنید. خود آقای
وزیر مالیه کاملاً از اخلاق اهالی این مملکت مستحضرند
رقعه اند دیده اند و میدانند که این ماده باین جور يك
بلائی است که بجان مردم خواهد افتاد.

وزیر مالیه - همانطوریکه نماینده محترم فرمودند این
ماده ماده مهم این قانون است و در حقیقت اصلاح
قانون سجل احوال و اصلاح دفاتر احصائیه اگر لازم
است این ماده هم لازم است اگر لازم نیست و با اساس
موافق نیستند آنوقت با این ماده هم البته مخالف

شود مدعی العموم با قائم مقام او. قائم مقام مدعی العموم
هم نظمی و مأمورین آن میباشند با این ترتیب بنده هم
موافقت میکنم و الا امین صلح نمیتواند اقامه دعوی بکند
زیرا او قاضی است. در نقاطی که مدعی العموم هست
او اقامه دعوی میکند و در نقاطی که نیست قائم مقام
او که مأمورین نظمی هستند اقامه دعوی میکنند
خود قاضی نمیتواند اقامه دعوی نماید.

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای
باسائی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند)

رئیس - قابل توجه شد. ماده هشتم

(این قسم قرائت گردید)

ماده ۸ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی
حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال
اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از فروردین
۱۳۰۷ داده شده و آنها را محتاج تصحیح میدانند تجدید
نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هویت تصحیح نماید
و همچنین اشخاص ذی نفع اگر اعتراضی بر اوراق صادره
دارند میتوانند در ظرف دو سال فوق اداره سجل احوال
رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره
مذکوره اگر اعتراض را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص
معرض تصحیح خواهد نمود

بصره - اشخاص ذی نفع اگر اعتراض بر تجدید
نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده
داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور
ورقه هویت جدید بجا کم صالحه مراجعه نمایند

رئیس - آقای آقا سید بقوب

آقا سید بقوب - بفرمائید بعضی از آقایان اصلیت القصدیه
این لایحه همین ماده است که الان مطرح است و بنده
نظر می کنم بدین بختی که متوجه خواهد شد برای مردم
این ماده بالاخره جان ما را خواهد گرفت. بنده حالا
وارد نمیشوم که بخواهم ایرادی بکنم بر مأمورین سابق
که چه کردند. ملت و مردم تقصیر ندارند مأمورین اینکار

هستند. این مطلب البته خیلی منطقی و روشن است. آقای آقا سید یعقوب فرمودند که ما این اختیار را چطور بیائیم بدهیم بیک مأموری که آن مأمور ملائکه نیست. این صحیح است که مأمورین ملائکه نیستند.

مدرس - جن هم نیستند

وزیر مالیه - یا شاید بقول آقا جن هم نباشند. لکن بنده میخواهم پرسیم از آقای آقا سید یعقوب آیا از نقطه نظر منطقی این اظهاری را که میکنند خودش نقص هر عملی و نقص هر قانون گذاری نیست؟ از برای اینکه اختیار دادن باین که این خراب را اصلاح کنی یا اختیار دادن باینکه برو فلان حکم را اجرا کن چه فرق دارد؟ هیچ فرقی ندارد. شما اگر این اوراق هویتی که الان در دست مردم است خوب و درست میدانید که هیچ بنده هم عرضی ندارم. اگر تصدیق ندارید بیک اشخاصی هستند که شانزده هفده سال دارند ورقه هویت شان شصت ساله است یا بیک اشخاصی هستند چهل یا پنجاه سال دارند و آن ها را نوزده ساله و بیست ساله نوشته اند و مشمول سر نازی واقع شده اند. که بنده دعوت نان می کنم بیائید با هم برویم بیرون و بنده اینها را نشان میدهم بشما. در عشرت آباد نوبی همین کسانی که دارند بیک و دومی کنند اگر اشخاص پنجاه ساله ندیدید؟ همینطور اگر بروید در دهات خواهید دید اشخاصی را که هفده هیجده ساله هستند ورقه هویت شان شصت ساله است همینطور اشخاص چهل پنجاه ساله ورقه شان بیست ساله است علاوه بر این غلط بودن قضیه سن یکی از معایب است. آخر این ورقه هویت بیک شرایط دیگری هم قانون برایش معین کرده است امضاء می خواهد شهادت می خواهد بیک مراتب دیگری دارد نا وقتی که این بیک ورقه هویت صحیح بشود ولی این مراتب اغلب ناقص است و باید اصلاح شود بیک چیز را هم نباید فراموش فرمائید که آن مأمورینی که میروند و بدکاری می کنند اغلب آن مأمور شریکش

آن موافقت دارند قابل قبول است چرا؟ برای اینکه از نقطه نظر نظام وظیفه بستن خوب است ولی اگر آقایان بخوانند اوراق هویت را از نقطه نظر اصل قانون سبج احوال و آنغلو بگویند ملاحظه بکنند این پیشنهاد آنوقت کافی نیست و ماده همینطور که در قانون پوشته شده کافی است شما میگویند مأمورین رفتند و بد عمل میکنند خوب چه باید کرد؟ در مقابل باید خودشان را پیدا کرد و مجازات کرد آنوقت آن عمل لغو را چه باید کرد؟ باید عمل لغو را هم اصلاح کرد. اگر شما دیدید که مأمورین رفتند بفلان ولایت یا فلان ایالت و در آنجا اداره سبج احوال را بد اداره کردند این را ما می توانیم از سر بگیزیم و بپوشیم بیک مأمورین صحیحی این دفعه بروند و آن کارها را دیگر نکنند ولی اگر نمی خواهید این اطمینان را پیدا کنید و بطرف مخالفش اطمینان دارید و قطع دارید که مأمورین میروند و باز بد عمل می کنند بعقیده بنده باید قانون را اصلاح عمل نکرد و بیکلی از قانون صرف نظر کرد والا شما میگویند بد است و مردم را نوبی میزنند. بیک بدی را بیک ورقه غلطی را بیک دفتر سبج احوال ماطلی را که با مأمور این کار را کرده است یا مأمور مردم با هم کرده اند شما میگویند این اوراق همینطور باشد؟ پیشنهاد شما این است که در بیک قسمت بیایند اصلاح کنند یعنی قسمت بین ۲۲ و ۲۶ سال را. این البته از نظر نظام وظیفه مؤثر است ولی باقی مسائل را اصلاح نمی کنند. آقای آقا سید یعقوب میفرمایند بیائیم و همه را ملغی کنیم فقط آن اوراقی را که مربوط بمشمولین نظام وظیفه میشود تجدید نظر کنند. این پیشنهادی که آقا کرده اند تفاوتش با این قانون این است که ماده قانون تشخیص دفاتر و محل هایی که برای این تجدید نظر لازم است بمعهده سبج احوال واگذار کرده است آقا میفرمایند که بطور کلی همه را حالا ممکن است در بیک قسمت هایی بیک نواحی و ولایاتی موجود باشد که در آنجا دفاتر سبج احوال و ترتیبش عیبی نداشته باشد و اوراقش

خوب داده شده باشد این قبیل جاهام البته بنظر شما مشمول تجدید نظر است ولی از نقطه نظر اداری و بودجه بکفدری و بشکل است و روبرو گرفته اگر اصلاح قانون را بخواهید با باید همانطور بیک ماده هشت قبول کنید و اعتماد کنید که اداره سبج احوال فقط آن نواحی را دست میزند که مصوب است و آن هم دیگر را جمع بسن ۲۲ و ۲۴ و ۲۶ سال نمیشود و بطور کلی است و آن وحشت و اضطراب هایی که آقا دارند پیش نمی آید. مثلاً بطور کلی میگویند در ناحیه همدان یا ناحیه عراق یا ناحیه کرمانشاهان اوراقی که صادر شده تجدید نظر لازم دارند و دیگر داخل ورقه نمیشوند که ببینند این ورقه اش بیست و دو سال بوده آن یکی منی سال و الا خود این را هم من میترسم بیک راهی برای بیک کار هایی باز بکنند. اگر بالاخره نظر اصلاح کلی داشته باشد ماده پیشنهادی را قبول کنید بهتر است. بنده درست از سابقه مذاکرات و مباحثاتی که تا بحال شده است از جزئیاتش مسبق نیستم. اینجا خواستم مطلب را روشن کنم که دقت کنیم و وضعیت را درست تجزیه کنیم آنوقت بعد هر کدام از نظر ها را که آقایان خواستند انتخاب کنند پیشنهاد بفرمایند. بالاخره سه قسم میشود این امر را اصلاح کرد یکی اینکه مقصد را فقط نظام وظیفه قرار بدهیم و برویم روی اصلی که آقای مدرس و آقا سید یعقوب و بعضی از آقایان پیشنهاد کرده اند با موافق هستند یعنی اختیار تجدید را برای بیک اوراقی که بعقیده آقایان تا ۲۴ یا ۲۵ یا ۲۶ سال و بعقیده بنده تا سی سال (حالا سر بیک سال و دو سال کم و زیاد آن بعد درش حرف میزنیم و اصلاح می کنیم) بیک وقت این است که شما نظام وظیفه را منظور ندارید و مقصودتان اصل عمل است یعنی بالاخره اگر شما بخواهید بیک ورقه را محکم ترتیب اثر قانونی بدهد (نه اینکه آن طور رد کند و بگوید این کار ارکان قانونیش غلط است و شهود اقامه نشده است یا امضاء نشده است یا (چه و چه شده) آنوقت باید تمام این اوراق را اصلاح کنید حالا باید

یکی از این دو قسم معتقد باشید یا اینکه همین ماده را تصدیق کنید و واگذار کنید بمأمور سجل احوال که هر ناحیه را خراب میدانند آن ناحیه را تجدید نظر نماید و دیگر داخل در اشخاص نشود داخل در اوراق نشود ناحیه به ناحیه دفتر سجل احوال را تجدید نظر کند مثلا ناحیه عراق یا ناحیه کرمانشاهان یا ناحیه آذربایجان هرجارا که خراب دید تجدید نظر کند و هرجارا که خراب ندید نگاه دارد دیگر فرقی هم در آن جاهائی که خراب نیست بین اشخاصیکه مشمول هستند بانیستند نگذارد. یا اینکه بروید روی فکر آقا سید یعقوب که آن اشخاصی که مشمول هستند بحال خود باقی بوده و باقی را در همه جا تجدید نظر کنند. این اگر چه مستلزم

یک خرجی است و یک دفاتر و مخارج بیشتری را لازم دارد ولی ضرر ندارد برای اینکه این گفتگوها از بین بر داشته شود. مطلب بین این سه قسمت است حالا ما میگذاریم آقایان بحث کنند و پیشنهادهای خودشان را بدهند بعد اظهار عقیده میکنیم روی هم رفته بنده قصدم از این اظهارات تفکیک و روشن کردن مطلب بود که با یکی از این نظر ها اظهار عقیده بفرمائید

بعضی از نمایندگان - ختم جلسه

رئیس - میفرمائید جلسه را ختم کنیم؟

عده از نمایندگان - بلی

رئیس - جلسه ختم میشود

(مجلس نیمساعت قبل از ظهر ختم شد)